

سه دلیل روان شناختی اجتماعی برای لغو مجازات اعدام در ایران

چهارشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۸۹ - ۲ ژوئن ۲۰۱۰ 

فرهنگ قاسمی

زمان آن فرارسیده است که ماشین اعدام ها در ایران هر چه زودتر متوقف شود و احکام صادر شده باطل گردند. ما باید دست در دست برای لغو حکم اعدام در ایران کوشش کرده و به رژیم جمهوری اسلامی ایران هشدار دهیم تا از اقدامات نا عادلانه خود دست برداشته اعدام انسانها را تعطیل سازد

برآیند روابط عشق و دوستی، حاکمیت همزیستی و همسازی انسانها است، بر عکس کشتن و اعدام غیرارزشانه بارز انزوا و نگون بختی و تنفر از زیبایی ها و بالندگی نوع بشر نیست. طی قرون متمادی جامعه بشری شاهد کشتار انسانها در اثر کشورگشایی بوده است، جنگ های منطقه ای صدها هزار نفر از مردم جهان را نا بود و از خانه و کاشانه خود آواره کرده است. حاکمیت ها و دولت های دیکتاتور انسان ها را از جمله به علت عقیده، دین، قومیت، نژاد و ... به جوخه های اعدام و کوره های آدم سوزی سپرده و دست به کشتار جمعی زده اند. این رفتار نشان میدهد که روان و طبیعت پاره یی از انسان تا چه اندازه قابل تنزل است.

در مقابله با این رفتار غیر انسانی و خشن در قرن بیستم در پاره یی از جوامع پیشرفته زنان و مردان بشر دوست، روشنفکر و آزادی خواه در مقابل بی عدالتی ها بر خاسته و نسبت به این قواعد و قوانین عقب مانده انتقاد و برای انهدامشان ایستادگی کرده اند و آزادی اندیشه و بیان انسان را در جوامع بشری خواستار شده اند. اینان در پروسه جستجوی افق های تازه، پیگیرانه خود تا جایی پیش رفته اند که حکم اعدام را از قوانین جزائی جامعه خود پاک کرده و لغو آنرا قانونی ساخته اند.

امامتاسفانه، هنوز در جامعه جهانی رژیم هایی وجود دارند که اعدام

و کشتن افراد دگر اندیش جامعه خود را به دلایل گوناگون و بی توجه به حقوق انسانی آنان ادامه میدهند. سکوت در برابر احکام اعدام فرا تر از قبول اهانت به انسان و غلطیدن در معیار های وحشیگری نوع بشر است، پس باید به ضرس قاطع در مقابل آن قد راست کرد. به نظر می رسد که سه دلیل روان شناختی اجتماعی زیر ما را بر آن میدارد تا علیه حکم مجازات اعدام با پا فشاری و بیدرنگ اقدام کنیم.

۱- در یک جامعه مدرن انسان و حقوق اولیه و طبیعی او بالا ترین ارزش و منزلت را دارد و باید بی هیچ بهانه ای این حقوق توسط حاکمیت و جامعه محترم شمرده شوند. هیچ فردی از مادر جانی یا گناهکار به دنیا نمی آید. اگر جرم و جنایتی از برخی سر میزند جامعه و حاکمیت در این امر بی تقصیر نیستند. پس این وظیفه سیستم اداره کننده جامعه است که از تولید افراد گناهکار با بکارگیری آموزش و پرورش درست جلوگیری کند و اگر این جلوگیری به اندازه کافی مفید واقع نشد وسائل اصلاح و تادیب آنها را در چهارچوب رعایت احترام به حقوق انسانی او فراهم آورد.

۲- کشتن یک انسان بوسیله یک انسان دیگر یعنی فردی که مجازات اعدام را اجراء میکند و در اصطلاح جلاد نامیده میشود بدون تردید از نظر روانی در او تاثیر منفی میگذارد و اثرات آن او را از خلیات انسانی دور می کند و رفتار ش نسبت به اطرافیان نمی تواند در جامعه بی تاثیر باشد این اثرات بی تردید در بازتولید شکنجه و جنایت نقش بازی میکنند.

۳- وقتی حکم اعدام در مورد فردی اجراء میشود اطرافیان اعدامی دچار ضربه روانی و آشفتگی میشوند: اگر پدری را اعدام می کنند پدر، مادر، زن، فرزندان، خواهر، برادر و نزدیکان او نیز مورد بی عدالتی قرار می گیرند. گاهی این بی عدالتی میتواند تاثیرات بسیار ناگواری در بازماندگان او داشته باشد. پس اعدام یک فرد در واقع میتواند دهها نفر دیگر از اعضاء خانواده و نزدیکان او را آزار دهد. چه کسی باید جبران این اقدام نا عادلانه و غیر انسانی را در مورد نزدیکان یک اعدامی بکند؟

جمهوری اسلامی ایران یکی از حاکمیت هایی است که از دو دهه آخر قرن بیستم تا به امروز مردم ایران را به دلیل دگراندیشی و آزادیخواهی و طرفداری از اصول ابتدائی جامعه مدنی تک تک و بطور گروهی میکشد، احکام اعدام در این رژیم بر اساس قوانین جامعه بدوی توسط قضات دینی و قوانین اسلامی هر روز صادر و اجراء می گردند. امروز، جمهوری اسلامی ایران از نظر تعداد اعدام شده گان در رده دوم جهان قرار دارد.

هر روز خشونت این رژیم نسبت به شهروندانش بیش از پیش میشود . در روزهای اخیر جمهوری اسلامی دهها تن دیگر را به دلائل باطل، بدون رعایت اصول ابتدایی قضاوت، بی توجه به حق دفاع متهمین و برخورداری از حق داشتن وکیل آزاد اعدام و از تحویل اجساد اعدام شدگان خود داری می کند.

امروز دهها زندانی سیاسی دیگر که توسط همین دادگاه های اسلامی به مرگ محکوم شده اند در راهرو های مرگ در انتظار اعدام هستند. مردم ایران که از این کشتارها بسیار ناراحت و نگران است حق کوچکترین اعتراض به رفتار قضائی رژیم و به احکام صادر شده را ندارد، کمترین اعتراض را رژیم جمهوری اسلامی با ضرب و شتم و شکنجه و زندان و اعدام پاسخ میدهد.

زمان آن فرارسیده است که ماشین اعدام ها در ایران هر چه زودتر متوقف شود و احکام صادر شده باطل گردند . ما باید دست در دست برای لغو حکم اعدام در ایران کوشش کرده و به رژیم جمهوری اسلامی ایران هشدار دهیم تا از اقدامات نا عادلانه خود دست برداشته اعدام انسانها را تعطیل سازد.

ما باید از مردم ایران در هر کجای دنیا که هستند ، از آزادیخواهان جهان ، از همه ترقیخواهان، روشنفکران، نویسندگان، هنرمندان و از زنان و مردان سیاسی معتقد به لغو حکم اعدام تقاضا کنیم با اقدامات عملی و عاجل خود برای لغو حکم اعدام در ایران هم گام و هم صدا شوند.

یازدهم خرداد ۱۳۸۹ برابر اول ژوئن ۲۰۱۰

پاریس